

Johnston, Ronald John

جانستون، رونالد جان، ۱۹۴۱ - م.

جغرافیاهای تحول جهانی / آر. جی. جانستون، پیتر جی. تیلور، مایکل جی. واتس؛ [مترجم] ن. نوریان. - تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۳.

بیست و سه، ۶۶۹ ص: نقشه، جدول. - (فرهنگ و مطالعات نظامی؛ ۲۳)

ISBN 964-5935-18-0 : ۴۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Geographies of global change

عنوان اصلی:

remapping the world in the late twentieth century.

کتابنامه: ص. [۶۳۳] - ۶۶۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. جغرافیا. الف. تیلور، پیتر جیمز، ۱۹۴۴ - م. Taylor, Peter James ب. واتس، مایکل، ۱۹۵۱ - م.

Watts, Michael ج. نوریان، نسرین، ۱۳۳۷ -، مترجم. د. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. دانشکده

فرماندهی و ستاد. دوره عالی جنگ. ه. عنوان.

۹۱۰

ج ۷ / ج ۲ G۱۲۸

۱۳۸۳

۳۰۷۳۸-۳۳۳ م

کتابخانه ملی ایران

۲۳

فرهنگ و مطالعات نظامی

www.ketab.ir

نشر این مجموعه گامی است در راه
پیشبرد فرهنگ و ادبیات نظامی در ایران؛
ناشر مایل است این گام را با ادای احترام
به کسانی بردارد که در انجام کوشش‌های
علمی، فنی و اجرایی دریغ نورزیدند.

جمال آبرومند

اکبر رمضانزاده

جواد زمانزاده دربان

حسین سلامی

احمد غلامپور

غلامرضا محرابی



آر.جی. جانستون، پیتھر جی. تیلور، مایکل جی. واتس



جغرافیای تحول جهانی



نسرین نوریان



دوره عالی جنگ

دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه

Geographies of Global Change
R. J. Johnston, Peter J. Taylor, Michael J. Watts

Blacwell Publishers Ltd, 1995

First published 1995

Reprinted 1996 (three times)

Translated by

N. Nourian



دوره عالی جنگ

جغرافیاهای تحول جهانی

تالیف: آر.جی. جانستون، پتر جی. نیلور، مایکل جی. واتس

ترجمه: نسرین نوریان

ویرایش: سیدحسین محمدی نجم

آماده سازی: مرکز اطلاع رسانی و تحقیقات دفاعی

نمونه خوانی: مازیار آرمیده

طرح روی جلد: سیامک فرشچی

هرو فچینی: حسن سلیمانی

ناظر فنی چاپ: خدمات نشر پیام سپاس

لیتوگرافی: فلم آذین

چاپ و صحافی: عقلی - امید

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۵۹۳۵-۱۸-۰



حق چاپ و نشر این اثر برای ناشر محفوظ است



دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صندوق پستی ۱۶۷۶۵-۳۴۹۱

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، مجتمع ناشران، طبقه اول

تلفن: ۶۴۹۵۵۷۲، دورنگار: ۶۴۹۷۲۲۷

فهرست مطالب

سخنی با خوانندگان	«هفده»
پیشگفتار	۱

بخش اول تحولات ژئواکونومیکی

فصل اول

شکل‌گیری مجدد سرمایه‌داری در اواخر قرن بیستم	۱۷
--	----

فصل دوم

جهانی بیش از حد فعال	۲۷
مقدمه	۲۹
پیش درآمد	۳۰
انتقاد نخست: شاخص‌های کهنه؟	۳۴
انتقاد دوم: گرفتار در دام سرعت	۳۸
نتیجه‌گیری	۳۸

فصل سوم

از زراعت تا خدمات و صنایع کشاورزی: نظام کشاورزی - غذایی جهانی	۵۵
مقدمه	۵۷
دگرگونی افق‌های تحقیق	۵۸
ایجاد یک نظام صنعتی کشاورزی - غذایی	۶۴
موقعیت در حال تغییر زراعت	۶۹
نتیجه‌گیری	۷۳
پی‌نوشت‌های فصل سوم	۷۵

فصل چهارم

شرکت‌های چندملیتی و تقسیم کار جدید بین‌المللی	۷۷
مقدمه	۷۹
تکامل شرکت‌های چندملیتی	۸۳
تقسیمات بین‌المللی جدید و قدیمی نیروی کار	۸۸
نقش شرکت‌های چندملیتی در تقسیم کار بین‌المللی جدید	۹۱
تفسیر و نقد	۹۳
نتیجه	۹۶

فصل پنجم

خط سیر نظریه‌ی توسعه: سرمایه‌داری، سوسیالیسم و ماورای آنها	۹۹
مقدمه	۱۰۱
توسعه بده و حکومت کن: یک طرح غربی	۱۰۳
افول مبارزات مارکسیستی	۱۱۰
توسعه و ژئوپلیتیک دانش	۱۱۵

بخش دوم تحولات ژئوپلیتیکی

مقدمه‌ی بخش دوم	۱۲۱
-----------------------	-----

فصل ششم

دموکراسی و حقوق بشر پس از جنگ سرد	۱۲۷
مقدمه	۱۲۹
نظریه و عملکرد دموکراتیک	۱۳۰
دموکراسی‌های جنگ سرد	۱۳۳
حکومت سرزمینی و دموکراسی	۱۳۶
سیاست تبعیض	۱۳۹
سیاست منطقه‌ای و نژادی	۱۴۱
چهار تهدید علیه دموکراسی	۱۴۳
چالش‌های دموکراسی پس از جنگ سرد	۱۴۷

فصل هفتم

تجدید حیات ملی‌گرایی	۱۴۹
مقدمه	۱۵۱
اجتماعات فرضی	۱۵۲
ملت‌سازی	۱۵۳
تصورات زبانی	۱۵۴
گذشته‌های حماسی	۱۵۸
بناهای یادبود و ملی‌گرایی	۱۶۲
جنسیت و ملی‌گرایی	۱۶۷

نتیجه گیری	۱۶۹
------------	-----

فصل هشتم

نظارت جهانی و سازمان فراكشوری	۱۷۱
مقدمه	۱۷۳
نظم جهانی و سازمان دهی فراكشوری «از بالا»	۱۷۴
بررسی موردی نظارت و كنترل جهانی از بالا	۱۸۶
سازمان فراكشوری از پایین	۱۹۲
نتایج	۱۹۴

فصل نهم

نظام نظارتی: نظام رفاه همگانی و فراسوی آن	۱۹۵
مقدمه	۱۹۷
شكل گیری كشورها در قرن بیستم	۱۹۷
نظام رفاه همگانی	۲۰۰
مشكلات موجود بر سر راه نظام رفاه همگانی	۲۰۸
نظریه ی نظارت، نظام رفاه همگانی و بحران فرودیسیم	۲۱۳
چشم انداز آینده	۲۱۸

بخش سوم

تحولات ژئوپلیتیکی اجتماعی

مقدمه ی بخش سوم	۲۲۳
رشد جمعیت	۲۲۳
گرسنگی، بیماری و خشونت ساختاری	۲۲۴

نقل و انتقال و درگیری ۲۲۷

تفاوت ۲۲۹

فصل دهم

بحران جمعیت: کابوس مالتوس؟ ۲۳۱

مقدمه ۲۳۳

جغرافیای روند جهانی جمعیت ۲۳۵

بحران جمعیت: مطلبی تکراری یا مسأله‌ای جدید؟ ۲۴۳

کماکان در انتظار مالتوس؟ ۲۴۵

سیرکردن ثروتمندان: گرسنه نگه‌داشتن مستمندان ۲۵۳

کابوس عقاید مالتوسی در دهه‌ی ۱۹۹۰ ۲۵۷

فصل یازدهم

مهاجرت و قومیت در سطح جهان: مورد پژوهی‌های اخیر ۲۶۵

مقدمه ۲۶۷

اهمیت مهاجرت‌های جدید ۲۷۰

دلایل مهاجرت افراد ۲۷۲

تاثیر نیروهای جمعیت‌شناختی و اقتصادی بر مهاجرت ۲۷۲

مهاجرت از اروپای شرقی به غرب ۲۷۵

علت نقل مکان مردم چیست: ارائه‌ی دلایل سیاسی و قانونی مهاجرت ۲۷۸

کشور ویتنام ۲۷۹

کشور موزامبیک ۲۸۱

آوارگی قومی ۲۸۳

آوارگی قومی هندی‌ها (آسیای جنوبی) ۲۸۳

۲۸۶	آوارگی قومی مغربی‌ها در فرانسه
۲۸۷	نتیجه‌گیری

فصل دوازدهم

۲۹۱	جایگاه در حال تغییر زنان در اقتصاد جهانی
۲۹۳	مقدمه
۲۹۴	مشکلات موجود برای سنجش جایگاه زنان
۳۰۱	نقش محوری زنان در جهانی‌سازی مشاغل تولیدی و خدماتی
۳۰۴	جریان‌های بین‌المللی مردم و اطلاعات: نقش زنان
۳۰۸	تقسیم‌بندی‌های جدید در نیروی کار جهانی
۳۱۲	نتیجه‌گیری

فصل سیزدهم

۳۱۳	پیامدهای بیماری‌ها در تحولات جهانی
۳۱۵	مقدمه
۳۱۶	افزایش مسافرت‌های راه دور
۳۲۵	گرم شدن کره‌ی زمین
۳۲۹	ظهور بیماری‌های جدید
۳۳۹	نتیجه‌گیری

بخش چهارم

تحولات ژئوپلیتیکی فرهنگی

۳۴۳	مقدمه‌ی بخش چهارم
-----	-------------------

فصل چهاردهم

۳۵۱	جهان شهرها و سازمان فضای جهانی
۳۵۳	مقدمه
۳۵۴	جهانی سازی و توسعه شهری
۳۵۹	جهان شهرها
۳۶۵	جهان شهرها و فرهنگ های جهانی با محوریت حاکمیت کلان شهری
۳۷۲	جهان شهرها به عنوان مکان های جغرافیایی

فصل پانزدهم

۳۷۷	فضاهای جدید حاکم بر رسانه های جهانی
۳۷۹	مقدمه
۳۷۹	از رسانه های ملی تا رسانه های جهانی
۳۸۴	نظم نوین رسانه ای
۳۹۴	فرهنگ و سیاست در نظم نوین رسانه ای

فصل شانزدهم

	ایستادگی در برابر تجدد و شکل دهی مجدد آن: جنبش های اجتماعی و فرآیند
۴۰۱	توسعه
۴۰۳	مقدمه
۴۰۴	توسعه به مثابه گفتمان
۴۰۸	توسعه به قیمت وابستگی
۴۱۳	جنبش های اجتماعی: ایستادگی در برابر تجدد و شکل دهی مجدد آن
۴۲۵	نتیجه گیری

فصل هفدهم

۴۲۷	شناخت تفاوت: معضل مربوط به نظریه یا ناشی از «نظریه»
۴۲۹	مقدمه
۴۳۱	نظریه چیست؟ نظریه پردازی برای چیست؟
۴۳۴	معضل نظریه: جایگاه «حقیقت / واقعیت»
۴۳۵	معرفی «دیگران»: فمینیسم، پسااختارگرایی و پسااستعمارگرایی
۴۳۷	فمینیسم
۴۳۹	پسااختارگرایی
۴۴۰	پسااستعمارگرایی
۴۴۵	مشکلات نظریه
۴۴۷	نتیجه‌گیری: مواضع اصولی

بخش پنجم

تحولات ژئوپلیتیکی محیطی

۴۵۱	مقدمه‌ی بخش پنجم
۴۵۲	تغییر روابط با طبیعت
۴۵۴	تغییر روابط متغیر

فصل هجدهم

۴۵۹	زمین دچار تحول می‌گردد: گرایش‌ها، مسیرها و الگوها
۴۶۱	مقدمه
۴۶۲	دیدگاه‌هایی در مورد تحولات محیط‌زیست
۴۶۴	تحولات جهانی چیست؟
۴۶۵	مستندسازی تحولات جهانی

۴۷۳	 مفهوم تحولات جهانی
۴۷۸	 تحولات جهانی از دیدگاه منطقه‌ای
۴۸۳	 نتیجه‌گیری

فصل نوزدهم

۴۸۵	 زمین به‌عنوان درون داد: منابع
۴۸۷	 مقدمه
۴۹۱	 بهبود ناپذیری و محدودیت‌های بیوفیزیک
۴۹۵	 تغییر مکان بحران - دور از دید، دور از ذهن
۴۹۹	 بحران محلی و منطقه‌ای
۵۰۳	 رونق و رکود
۵۰۶	 نتیجه‌گیری

فصل بیستم

۵۰۹	 زمین به‌عنوان برون داد: آلودگی
۵۱۱	 مقدمه
۵۱۲	 «جهانی بیندیش، محلی عمل کن» - کدام یک در مورد جغرافیا صدق می‌کند؟
۵۱۶	 خطر درکجاست؟ جغرافیای آلودگی جهانی و محلی
۵۲۶	 آلودگی و مخاطرات - بحران «آسیب»
۵۲۹	 آسیب جهانی - راحت باش: الهی زمین خواران ادامه‌ی حیات است
۵۳۳	 محدودیت‌ها کدامند؟ میزان رشد، محدودیت‌های سرمایه‌داری
۵۳۵	 آلودگی: تنها به‌صورت محلی

فصل بیست و یکم

۵۳۹	توسعه‌ی پایدار؟
۵۴۱	مقدمه
۵۴۵	محیط زیست و توسعه در مباحث بین‌الملل
۵۴۹	توسعه‌ی پایدار: روند کلی
۵۵۳	بحث توسعه‌ی پایدار در ریودوژانیرو، ۱۹۹۲
۵۶۱	جغرافیا و توسعه‌ی پایدار
۵۶۵	بحث و گفتگو در مورد توسعه‌ی پایدار

بخش ششم

نتیجه‌گیری

فصل بیست و دوم

۵۷۳	ترسیم مجدد نقشه‌ی جهان: چگونه نقشه‌ای؟ چگونه جهانی؟
۵۷۵	مقدمه
۵۷۷	پیوند جهانی - محلی
۵۸۱	ترسیم مجدد نقشه‌ی جهان
۵۸۹	فهرست اعلام
۶۴۱	کتابشناسی

سخنی با خوانندگان

جهان متحول امروز با تحولات سریع آن، از جنبه‌های مختلف و با دیدگاه‌های متفاوت همواره مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد. تحولات جهان دارای ابعاد بسیار متنوعی است که مهم‌ترین آن ابعاد در یک دسته‌بندی مناسب با تاکید بر جغرافیای آنها در کتاب حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

ماهیت جغرافیا از موضوعات بحث‌انگیز مجامع دانشگاهی و محافل علمی طی دهه‌های اخیر بوده است. در واقع باید گفت جغرافیا با یک دید توصیفی آغاز شده و در طی تاریخ علمی خود دارای فراز و نشیب‌هایی بوده و به مرور، طی قرن بیستم کارآمدی روزافزونی یافته و توانسته در شکل‌گیری مناسب‌تر جوامع و یا حداقل درک ریشه‌ها و نحوه‌ی شکل‌گیری جوامع نقش عمده‌ای را ایفا نماید. جغرافیای علمی و ژرف‌نگر امروزین حداقل موارد زیر را دربر دارد: (۱)

(۱) نحوه‌ی پراکندگی مکانی - فضایی پدیده‌های طبیعی و انسانی در سطح زمین و نواحی مختلف و تحقیق در خصوص علل پیدایش، سیر تکوینی، الگویابی، کیفیت پخش و نهایتاً میزان تاثیرگذاری این پدیده‌ها در شیوه‌ی زندگی مردم.

۱ - حسین شکویی - اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا - جلد اول - انتشارات گیتاشناسی - تهران -

۲) تفاوت‌های مکانی در سطوح و مقیاس‌های مختلف از سطح کروی زمین تا محلات مختلف یک شهر و تعمق در ریشه‌ی تکوین این تفاوت‌ها.

۳) بررسی تأثیرات اقتصادی و سیاسی و شرایط اجتماعی، کیفیت آرایش مکانی سرمایه و نیروی کار بر شکل‌گیری ساخت و بافت اجتماعی جوامع.

۴) مفهوم مکان به عنوان یک پدیده‌ی دارای عینیت خارجی منحصر به فرد و واجد انواع فعالیت‌ها و کارکردها.

۵) مفهوم فضا به عنوان یک تولید مادی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، سیاسی و طبیعی محصول تعامل بین دو یا چند پدیده‌ی دارای مکان است که تولید و ساختار آن حاصل یک عمل آگاهانه می‌باشد. تولید آگاهانه‌ی مکان و فضا توسط ساختار اجتماعی - اقتصادی در مقیاس‌های متفاوت محلی تا جهانی صورت می‌گیرد.

البته طبیعی است که پدیده‌های جغرافیایی از دیدگاه‌های متفاوت می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد. دیدگاه‌هایی همچون مطالعاتی چشم‌انداز، مطالعاتی روابط انسان و طبیعت، مطالعاتی آرایش فضایی پدیده‌ها و مطالعاتی مکان‌ها و نواحی عمدتاً گرایش توصیفی داشته، و چندان به ریشه‌یابی علل شکل‌گیری پدیده‌های عمدتاً انسانی حاصل از ساختارهای اجتماعی اقتصادی نمی‌پردازند و لذا از پاسخ‌گویی عمیق بسیاری مسائل باز مانده، در شکل‌گیری جهانی بهتر نیز از ارائه‌ی پیشنهادات کارآمد عاجز هستند. حتی برخی دیدگاه‌ها مانند جبرگرایی محیطی، طبیعت را عامل تعیین‌کننده قلمداد کرده و از جهتی دیگر در راه‌گشایی ناتوان می‌نمایند. اما جغرافیای رادیکال از جمله دیدگاه‌هایی است که در مدت کوتاه عمر خود مطالعات فراوانی را با هدف درک و حل مشکلات جوامع در حال توسعه ارائه نموده است. مؤلفان و نویسندگان کتاب جغرافیاهای تحول جهانی که عمدتاً از جغرافی‌دانان رادیکال محسوب می‌شوند تلاش کرده‌اند که با دیدگاهی عمیق و با جستجوی ریشه‌ی تحولات جهانی -

ضمن توصیف تحولات گوناگون - در پایان قرن بیستم، راه کارهایی نیز برای ساختن جهانی بهتر ارائه دهند.

رونالد جانستون، پیتربیلور و مایکل واتس - ویراستاران کتاب حاضر - از جمله جغرافی دانان برجسته‌ای هستند که در سه دهه‌ی آخر قرن بیستم تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای را برای ریشه‌یابی علل شکل‌گیری جهان تحت سلطه‌ی سرمایه‌داری صورت داده‌اند. جغرافیای رادیکال از اواخر دهه ۱۹۶۰ و با انتقاد از کشمکش مسلحانه‌ی آمریکا در جهان سوم (به خصوص ویتنام) و ناآرامی‌های کنونی شهری در کشورهای پیشرفته صنعتی مثل آمریکا و انگلستان و با کمک گرفتن از اقتصاد سیاسی و اندیشه‌های عدالت‌گرایانه شکل گرفت. پیتربیلور در کتاب جغرافیای سیاسی خود تلاش می‌کند نظام جهانی موردنظر والرش‌تاین (محور - پیرامون - نیمه پیرامون) را در مقیاس‌های جغرافیایی (جهانی، ملی و محلی) پیاده کند. رویکرد کتاب حاضر (جغرافیای تحول جهانی) را بایستی تلاش عمده‌ای از این مقوله در مقیاس جهانی دانست.

رونالد جانستون که در زمره‌ی نظریه‌پردازان اجتماعی انتقادی و طرفدار مکتب رئالیسم است از نظریه‌ی دولت به عنوان موضوع محوری جغرافیای سیاسی نام می‌برد. به نظر وی دولت یک ارگان سرزمینی است که توسط مرزهای مشخص محدود شده است و به همین دلیل نقش‌های مختلفی را در جهت حفظ منافع طبقات به عهده دارد که زمینه‌ی استقلال عمل اوست، ولی در عین حال در اجرای نقش خود در باز تولید نظام اجتماعی مفروض با دشواری‌هایی روبه‌رو است. به دلایل مختلف، مانند حفظ منافع گروه‌هایی که دارای قدرت نابرابر هستند و استمرار رابطه با جامعه‌ی مدنی، روابطی که در معرض بحران‌های منطق‌گرایی، مشروعیت و انگیزه قرار دارد، استقلال دولت را با محدودیت مواجه ساخته است.

از جمله مهم‌ترین اقدامات جغرافی دانان رادیکال در عرصه‌ی ژئوپلیتیک،

عرضه‌ی نگاهی انتقادی به سیاست واقع‌گرایانه‌ی قدرت در جهان است. این جغرافی‌دانان کاپیتالسم را از درون گرفتار در دام تناقض می‌دانند که دائماً درگیر جابه‌جایی و بازساخت بحران‌های در حال گسترش و تضاد ژئوپلیتیکی به عنوان بخشی از قوانین حل موقتی بحران‌ها می‌باشد. بررسی روند ظهور و سقوط دولت رسته‌ای - رفاهی بخش دیگری از کارهای این گروه از جغرافی‌دانان به‌شمار می‌رود. (۱)

«جغرافیای تحول جهانی» جزء آخرین مجموعه نوشته‌هایی است که این دسته از جغرافی‌دانان در ادامه‌ی کارهای قبلی خود آن را منتشر نموده‌اند. کتاب حاضر در پنج بخش و بیست و دو فصل دسته‌بندی شده است. بخش اول تحت عنوان تحولات ژئواکرونومیکی (فصول اول تا پنجم) موضوعاتی مانند قطب بندی‌های اقتصادی؛ افزایش شکاف‌های اقتصادی میان شمال و جنوب؛ پا بر جا بودن سرمایه‌داری کهن با ظواهری متغیر؛ سرعت جابه‌جایی اندیشه، پول و فشرده شدن عامل فضا و زمان؛ اقتصاد سیاسی کشاورزی با تاکید بر توجه به ۲۰٪ تولیدکنندگان در کنار بی‌توجهی به ۸۰٪ آنها و بی‌توجهی به مسائل زیست محیطی و ناهماهنگی تولید با نیاز کشاورزی؛ بهره‌برداری شرکت‌های چند ملیتی از تفاوت قوانین و قیمت نیروی کار کشورهای مختلف برای سود بیشتر (تقسیم کار جدید بین‌المللی) را مورد بررسی قرار داده است. این بخش مدل‌های مارکسیستی توسعه جوامع را تشریح نموده و موفقیت‌ها و ناکامی‌های آن را در مدت کوتاه عمر آن برشمرده و پس از سال ۱۹۸۹م. آن را شکست خورده و منزوی تلقی می‌نماید.

بخش دوم کتاب تحت عنوان تحولات ژئوپلیتیکی - طی فصول ششم تا

۱ - دره میرحیدر - اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جدید در جغرافیای سیاسی - نامه فرهنگستان علوم -

نهم - به مسائلی چون حقوق بشر و مردم سالاری پس از جنگ سرد، تجدید حیات ملی گرایی، سازمان های فراکشوری و نظام رفاه اجتماعی در میان کشورها پرداخته و تغییرات حادث شده طی دهه های اخیر در این خصوص را مورد توجه قرار داده است. براساس مقالات این بخش هر چند روندهای مثبت برقراری دموکراسی در برخی از کشورهای جهان سوم دیده می شود، اما تقویت ملی گرایی افراطی به خصوص پس از فروپاشی شوروی موجب درگیری هایی شده که ادامه خواهند داشت. ایجاد سازمان های فراملی، چندان در جهت منافع کشورهای جهان سوم نیست و نظام رفاهی نیز به سمت تضعیف می رود.

بخش سوم کتاب با عنوان تحولات ژئوپلیتیکی اجتماعی در فضول دهم تا سیزدهم به عوامل بی ثباتی اجتماعی در جهان معاصر که در کشورهای در حال توسعه به شکل جمعیت فزاینده، گرسنگی و بیماری، خشونت ساختاری حاصل از ضعف این کشورها و مرگ و میر و بیماری های مهلک و مهاجرت رو به تزاید رخ نموده اشاره کرده و سپس تأکید دارد که علت اصلی این مشکلات چیزی جز شکل بندی اجتماعی و سازوکارهای اقتصادی نیست. مطالب این بخش مؤید این نکته است که با افزایش آگاهی ها در این جوامع می توان از رشد جمعیت فزاینده جلوگیری نموده و برخوردهای تخریبی با جمعیت قابل نگرش است. در قسمت دیگری از بخش حاضر به موضوع مهاجرت و انواع آن پرداخته و مشکلات اقتصادی و اجتماعی را مهم ترین عامل این مهاجرت ها قلمداد می کند. سپس به جایگاه زنان در اقتصاد جهانی پرداخته و ضمن اذعان به ایجاد اصلاحات اندک در وضعیت زنان معتقد است با وجود تحصیلات و تخصص بالاتر در بسیاری از موارد بهبود لازم در جایگاه زنان در جامعه دیده نمی شود. نهایتاً بیماری های فراگیری که بر اثر کثرت مسافرت ها و مهاجرت ها همه گیر شده - به عنوان محصولی از تحولات طبیعی و انسانی جهان حاضر - مورد بررسی قرار گرفته، بر ضرورت تداوم مطالعه پیرامون آنها تأکید شده است.

بخش چهارم کتاب با عنوان تحولات ژئوپلیتیکی فرهنگی طی فصول چهاردهم تا هفدهم ابتدا به نقش عمده‌ی جهان شهرهایی چون نیویورک، لندن و توکیو (که خود محصول بیش از یکصد سال حرکت پرشتاب نظام سرمایه‌داری در غرب هستند) در مرکزیت امور اقتصادی، فرهنگی، اطلاعاتی، ارتباطی، و سیاسی جهان پرداخته و با ذکر تناقض‌هایی همچون خاص‌نگری نژادی در برابر جهانی سازی فرهنگی؛ محلی گرایی در برابر جهانی گرایی؛ تجمع قدرت، اطلاعات و دانش در جهان شهرها را حاصل این تضادها و آن را دیالکتیک اجتماعی می‌خواند. سپس به نقش رسانه‌ها (که طی دهه‌های اخیر در کنترل قدرت‌های اقتصادی جهانی قرار گرفته‌اند) در شکل‌گیری هویت‌های جمعی، سرزمینی، جغرافیای فرهنگی جدید، تضعیف وحدت و مرزهای ملی پرداخته و اروپا را از مخالفین اصلی این جهانی سازی رسانه‌ای که عمده‌تاً در کنترل آمریکاست می‌شمرد. این بخش نهایتاً به آسیب‌های حاصل از برنامه‌های توسعه و نوسازی تحمیلی در جوامع سنتی که موجب وابستگی آنها می‌شود اشاره دارد و هدف غایی عمده‌ی جنبش‌ها در جهان در حال توسعه را حفظ کاشانه، سرزمین و فرهنگ بومی می‌داند.

بخش پنجم کتاب تحت عنوان تحولات ژئوپلیتیکی زیست محیطی طی فصول هجدهم تا بیست و یکم، ابتدا بر تاثیر رویکردهای سرمایه‌داری بر تداوم تخریب محیط‌زیست جهانی پرداخته و رقابت بازار و کاهش مالیات بر آلوده‌سازها را جزو حرکات تشویق‌کننده آلودگی می‌داند و خطر فرا روی محیط زیست بشری را بزرگ بر می‌شمرد. در مقاله‌ی دیگر این بخش، اثر انسان بر تخریب محیط‌زیست را در مقایسه با اثر طبیعت در این فرآیند بسیار بزرگ می‌شمرد و ضرورت جلوگیری از تداوم این روند را مورد تاکید قرار می‌دهد. در بخش دیگر بر پایان‌پذیری منابع کره‌ی زمین به عنوان درون داد و برداشت بی‌رویه از این منابع می‌پردازد و سپس آلودگی را برون داد کره‌ی زمین خوانده،

توان کره‌ی زمین در پذیرش این مقدار آلودگی را مورد تردید دانسته و وارد کردن مردم را در فرآیند کنترل آلودگی یک راه حل کارآمد معرفی می‌کند. این بخش در نهایت، توسعه‌ی پایدار را به عنوان فرمولی برای تعادل میان توسعه و فقر و تخریب محیط‌زیست مطرح کرده و آن را توسعه‌ای معرفی می‌کند که بدون لطمه زدن به قابلیت‌های نسل آینده، نیازهای امروز را برآورده می‌سازد.

در بخش ششم، شامل فصل بیست و دوم کتاب، مولفان بر خطرات جهانی‌سازی - به عنوان یک شعار ظاهری و بی‌مایه - و رشد محلی‌گرایی، هم‌زمان با شعار جهانی‌سازی در جهان امروز تاکید می‌کنند و معتقدند هر چه جهانی است هم‌زمان محلی هم هست. ایشان پیکربندی مجدد سرمایه‌داری، ترویج بازار، چالش با دولت، ساخت جوامع نوین مدنی با مشارکت بیشتر مردم، حفظ محیط‌زیست جهانی و نوگرایی را به عنوان شش پیشنهاد سازنده برای ترسیم مجدد نقشه‌ی جهانی ارائه می‌نمایند. آنها هر چند افزایش شکاف میان جهان غنی و جهان فقیر را همچنان روند رو به رشد آینده می‌دانستند، در خصوص خطراتی مانند افزایش و رشد تروریسم هشدار می‌دهند.

مطالعه‌ی کتاب حاضر به لحاظ گردآمدن انواع تحولاتی که جهان امروز با آن روبه‌روست و به سبب نوع نگاهی که نویسندگان به مسائل جهانی ارائه می‌نمایند به علاقمندان مسائل راهبردی و تحولات ژئوپلیتیک جهانی توصیه می‌شود، هر چند این توصیه به معنای پذیرش برخی رویکردهای ارائه شده در آن نمی‌باشد.

دکتر محمدحسین افشردی

پیشگفتار

تغییرات جهانی در پایان قرن بیستم

در چگونه جهانی به سر می‌بریم؟ دنیای اکثر خوانندگان این کتاب دنیایی آسوده و عاری از دغدغه است. خوانندگان کتب درسی اغلب اقلیتی از جمعیت جهان هستند که می‌توانند از یک زندگی به نسبت مرفه برخوردار شوند، اما وضعیت قریب به اتفاق جمعیت بشری چگونه است؟ در مورد این‌گونه افراد، رفاه جای خود را به تلاش و تکاپو برای ادامۀ حیات در اشکال گوناگون می‌دهد؛ بدین ترتیب برای آنان کتب درسی و بسیاری دیگر از کالاهای «عادی» دنیای آسوده، کالاهای تجملی و غیرضروری محسوب می‌شود. این دو دنیا، هرچند ممکن است به راحتی به تصویر در آیند، اما از یکدیگر جدا نیستند. «دنیای آسوده» و «دنیای تلاش» در جغرافیاهای پیچیده چنان درهم تنیده شده‌اند که از راه‌هایی فزاینده در فضای یکدیگر رخنه می‌کنند. از این رو، هر چه به پایان قرن بیستم نزدیک‌تر می‌شویم، این حس که همگی در «جهان واحد» به سر می‌بریم قوی‌تر از هر زمان دیگر شده است؛ به این معنا که تلاش «آنان» با آسایش «ما» مرتبط گردیده است.

بیان این مطلب که ما در «جهانی واحد» و در هم تنیده زندگی می‌کنیم تنها بخشی از پاسخ به سوال آغازین ما را تشکیل می‌دهد. درون این جهان واحد چه خبر است؟ اجزای تشکیل دهنده‌ی این جهان کدامند؟ یکی از راه‌های شروع، آن است که نظری بر وسایل ارتباط جمعی که احتمالاً آشکارترین تجسم «جهانی

سازی» در جهان ما می‌باشد، بیفکنیم. آنچه از دید نخبگان رسانه‌ای از ارزش خبری برخوردار است، تصویری کاملاً مرتبط با جهان به ما ارائه می‌کند، زیرا چنین اخباری هر روز پنجره‌ای را به روی ما می‌گشاید تا از میان آن به آن سوی تجارب مستقیم خود نظر افکنیم. آنچه که در پی می‌آید، گزیده‌ای فهرست‌وار از رویدادهایی است که در فاصله‌ی زمانی روز کریسمس تا شب سال نو^(۱) ۱۹۹۳ به وقوع پیوسته است. جهانی که در این اخبار می‌یابیم آمیزه‌ای از امیدواری، نگرانی و نومیدی است. «مهم‌ترین این خبرها» امیدواری به صلح در اسرائیل و فلسطین، آفریقای جنوبی و ایرلند شمالی است، اما در این اخبار معمولاً امید چندانی به چشم نمی‌خورد، چرا که ظاهراً بسیاری از مناطق با یکدیگر رقابت می‌کنند تا صلح و آرامش جای خود را به مشکلات بغرنج سیاسی دهد. در لیبریا مردان مسلح به مراکز امداد رسانی حمله‌ور شدند؛ در کنگو خشونت‌های «قومی» به چشم می‌خورد؛ انفجار بمب در موگادیشو توجه ما را به سومالی جلب می‌کند، در حالی که ساریوو در همه‌ی مدت آتش‌بس ناکام بوسنی به مناسبت کریسمس، زیر بمباران قرار داشت. اما خشونت تنها به همین جنگ‌های داخلی منحصر نمی‌گردید، بلکه در اخبار «مذهبی» نیز به چشم می‌خورد: در مصر هشت جهانگرد طی حمله‌ی مسلحانه‌ی مسلمانان به یک اتوبوس مجروح گردیدند، از سویی دیگر پس از حادثه‌ی بمب‌گذاری در یک کلیسای جامع کاتولیک در فیلیپین، دو مسجد با نارنجک مورد حمله قرار گرفت؛ به علاوه، منازعاتی نیز میان کلیسای وابسته به انگلستان و دولت مسلمان سودان وجود داشت، این در حالی بود که طی یک مراسم صلح‌آمیز، از مجسمه‌ی غول پیکر بودا بر روی تپه‌ای مشرف به هنگ کنگ پرده‌برداری شد. به علاوه، اخباری نیز

۱ - از یست و پنجم دسامبر (کریسمس) تا شب سی و یکم دسامبر یا همان شب ژانویه (شب سال

درباره‌ی زبان‌های گوناگون وجود داشت: صرب‌ها، کروات‌ها و مسلمانان بوسنیایی سعی در اثبات این مطلب دارند که بر خلاف تصورات گذشته مبنی بر تکلم ایشان به یک زبان «صرب - کروات» واحد، به زبان‌های مختلفی صحبت کنند. در همین حال مجلس فرانسه با تصویب قانونی، رادیوی این کشور را مجبور ساخته تا حداقل ۴۰ درصد از موسیقی پاپ خود را به زبان فرانسه پخش کند. به علاوه وال استریت ژورنال (Wall Street Journal) تصمیم گرفته است تا مجله‌ی خود را به زبان لهستانی نیز منتشر سازد. این‌گونه نگرانی‌های فرهنگی، با اخبار سیاسی مرتبط با سفرهای بین‌المللی همگام شده‌است. مأمورین اداره‌ی مهاجرت بریتانیا پروازی از جاماییکا را مورد بازرسی قرار دادند؛ دختر فیدل کاسترو از آمریکا تقاضای پناهندگی نمود و دیگر آن‌که ژیرینوفسکی (Zhirinovsky) ملی‌گرا که برنده‌ی انتخابات اخیر روسیه بود از بلغارستان اخراج شد و اجازه‌ی ورود به خاک آلمان را نیافت.

اخبار مرتبط با محیط زیست نیز پرتعداد است: ما از خطر انقراض کرگدن‌ها در آفریقا خبردار شدیم و مطلع گشتیم که ساکنین سواحل فرانسه و اسپانیا به دلیل آلوده شدن آب‌های ساحلی با مواد سمی، از این منطقه تخلیه شدند و نیز این خبر که مردم ۱۵ درصد از قلمروی کشور روسیه با جمعیتی معادل یکصد هزار نفر، در مناطقی زندگی می‌کنند که شدیداً در معرض خطر تشعشعات هسته‌ای است. این منطقه جایی است که از آن به‌عنوان «منطقه‌ی فاجعه‌ی زیست محیطی» یاد می‌شود؛ دیگر آن‌که دولت آمریکا به انجام مخفیانه‌ی آزمایش‌های تشعشعی بر روی شهروندان خود اذعان نمود. شاید نگران‌کننده‌ترین خبر آن بود که مدیر شرکت هسته‌ای ملی چین به‌عنوان بخشی از تبلیغات خود در مورد صدور نیروگاه‌های هسته‌ای اظهار داشت: «صنعت و فناوری هسته‌ای، معیاری جهت سنجش توان و قدرت کلی کشور است.» و بالاخره، فارغ از این‌گونه خبرها، والت «دیزنی» اروپا در فکر تغییر نام خود به

والث دیزنی پاریس است و نیز این که اقتصاددانان بانک جهانی مدعی اند که موفقیت اقتصادی یک کشور تا حد زیادی به «بخت و اقبال» بستگی دارد.

چه معجون خبری شگفت انگیزی! از این همه اخبار مهم با مضامین متفاوت که تنها ظرف چند روز به وقوع پیوسته، چه چیز عاید ما می شود؟ نکته ی نخست آن است که این خبرها مانند سفر ماجراجویان به نقاط دوردست به صورت داستان های عجیب و غریب ارائه نشده اند. جهان امروز دیگر مکان دور افتاده ای که اطلاع اندکی راجع به آن داشته باشیم نیست، بلکه برای ما به طور کاملاً مشخص، جهانی واحد بنا شده است. در میان این گزیده ی اخبار، ارتباطات ضمنی ساده ای نیز برای افزایش درک ما از جهان پیرامون وجود دارد، برای مثال، افراطیون مسلح، ملی گرایان روسی و تکنوکرات های چینی هر یک به شیوه ای متفاوت، تهدیدی بالقوه برای زندگی راحت ما محسوب می شوند؛ اما رابطه ی میان اخبار دیگر، مانند اخبار فرهنگی و گزارش های زیست محیطی به هیچ وجه روشن نیست. هدف عمده ی این مجموعه مقالات، بررسی روابط مذکور است؛ به نحوی که خوانندگان را در شناخت جهان خویش به عنوان یک مجموعه ی جهانی واحد یاری نماید. دانشجویان پس از مطالعه ی این کتاب باید بتوانند

۱ - بین تجارب زندگی شخصی و جهان گسترده تر پیرامون خود ارتباط برقرار کنند.

۲ - به این جهان به عنوان کلیتی برخوردار از تنوع بنگرد.

هدف این مقدمه فراهم آوردن زمینه ی لازم برای تحقق این مهم است که با طرح برخی سوالات کلیدی برای مطالعه ی نظام مند این جهان همراه است. چنین قابلیتی را نمی توان از طریق دریافت انبوهی از خبرهای رسانه ای، حتی در صورت کامل و دقیق بودن، به دست آورد. ما نخست با طرح سوالاتی در زمینه ی ماهیت تغییرات جهان معاصر و سپس با بررسی دقیق ماهیت جغرافیایی که هم عامل و هم نتیجه ی این جهان پویا هستند، موضوع بحث اصلی خود را

شکل می‌دهیم. این پرسش‌ها با بیان شیوه‌های متنوع، طی بیست مقاله‌ی سازمان یافته و متوالی مورد بررسی قرار خواهند گرفت تا از این رهگذر، هدف نهایی این کتاب تحقق یابد. ما مدعی پاسخ به همه‌ی سوالات مهمی که در مقابل ما به‌عنوان اعضای یک جهان واحد قرار می‌گیرد نیستیم، چرا که چنین ادعایی نهایت بی‌خردی است، اما می‌توان گفت که این کتاب مطالبی را ارائه می‌دهد که می‌تواند با ایجاد فهمی مفید و بجا از این‌گونه سوالات به‌تدریج از ظاهر دلهره‌آور جهان امروز بکاهد.

همه چیز در حال تغییر!

چنین به‌نظر می‌رسد که با نزدیک شدن به پایان قرن بیستم زمینه‌ای جهانی برای تحولاتی فراگیر به‌وجود آمده باشد. انسان‌ها از همه‌ی اقشار و در همه‌ی مناطق، در مورد شرایط موجود و مقصدی که به سوی آن حرکت می‌کنند با بلاتکلیفی مواجه‌اند. به عبارت دیگر، از اعتبار تجارب گذشته‌ی نزدیک - به‌عنوان مبنا و شالوده‌ای برای برنامه‌ریزی اقدامات آینده - مرتباً کاسته می‌گردد. در واقع، شرایط معاصر به دلیل تغییرپذیری، باید به‌دقت مورد بررسی قرار گیرند. تحول اجتماعی در همه‌ی جلوه‌های آن، مشخصه‌ای عادی از شکل‌گیری اجتماعی ما محسوب می‌شود، چنانکه از قرن‌ها پیش نیز چنین بوده است. مارکس در عبارتی به یاد ماندنی در مورد جوامعی که براساس سرمایه‌داری بنا نهاده شده‌اند گفته است: "هر آنچه که مستحکم است، روزی بر باد خواهد رفت." پس چه چیز دنیای امروز را تا این حد متفاوت ساخته است؟ گفته می‌شود تحولات معاصر چه از نظر کمی و چه به لحاظ کیفی، متمایز از یکدیگرند. امروز، بحث بر این است که تغییرات گسترده‌ی کم‌اهمیت چنان ارتقاء یافته‌اند که قادر به ایجاد تحولاتی بی‌سابقه در روزگار ما هستند. به‌علاوه، این شتاب در جهان ما مجالی جهانی و بی‌نظیر فراهم آورده است به‌طوری‌که جهانی‌سازی

معاصر را به لحاظ کیفی پدیده‌ای جدید می‌سازد.

تاثیرگذارترین ویژگی مطالبات کمی زندگی ما در «عصر جدید»، گستره‌ای از تغییرات شدید است که در حال رخ دادن هستند. امروز، منظره‌ی کلی فعالیت‌های اجتماعی در حال دگرگونی‌های اساسی است، به نحوی که هیچ‌یک از زوایای آن بی‌نصیب نمی‌ماند. در فرآیندهای اقتصادی، قطعیت حاصل از انبوه‌سازی نظام فکری هنری فورد (فوردیسم)، جای خود را به تشکیلات دیگر داد. این نظام فکری بر پایه‌ی سلسله‌مراتب نظام یافته از شرکت‌های عظیم و اتحادی نامنسجم با نیروی کار در این شرکت‌ها بنا شده بود؛ هرچند ماهیت این نظام پسافوردیسم (پست فوردیسم) هنوز کاملاً روشن نیست. بی‌تردید این نظام با برداشتن آنتی‌تزیهای نظام فوردیسم، با قابلیت انعطاف بیش‌تر و نیروی کار قطبی شده‌تر ظاهر خواهد گردید.

تغییرات در قلمرو سیاست نیز به همین اندازه چشمگیر بوده است، به گونه‌ای که به اشکال مختلف سطح رفاه عمومی در کشورهای غنی‌تر تنزل یافته و در بسیاری کشورهای جهان، مسوولیت دولت در قبال شهروندان به معنای واقعی نادیده گرفته شده است. این امر قبیل از پایان جنگ سرد در کشورهای کمونیستی به نحوی بسیار اسفبار به چشم می‌خورد. پایان جنگ سرد روابط بین‌المللی را به‌طور کلی دگرگون ساخت، اما امیدواری‌هایی که در جهت ایجاد «نظم نوین جهانی» (New World Order) با رهبری آمریکا پدید آمده بود، دوام چندانی نیافت و این امیدواری‌ها جای خود را به پدیده‌ای داد که به کنایه «بی‌نظمی نوین جهانی» (New World Disorder) نام گرفته است. مردم سراسر جهان واکنش‌های متفاوتی در قبال بی‌ثباتی و آشوب داشته‌اند. آن‌جا که اقتصادهای روستایی متلاشی شده‌اند، «آب‌ر شهرها» در مقیاس جمعیتی بی‌سابقه‌ای در حال شکل‌گیری هستند، در حالی که باقیمانده‌ی جمعیت به میزانی که هنوز مشخص نیست به ناچار به مرزها روی آورده‌اند. گستره‌ی

مهاجرت‌های بین‌المللی که جنبه‌ی عادی‌تری دارد محدوده‌ی وسیعی را دربر می‌گیرد؛ از سفر نخبگان اقتصادی به شهرهایی که مراکز کنترل سرمایه‌داری‌اند تا پناهندگان اقتصادی که در تلاش برای عبور از «دیوار فقر» حائل میان کشورهای غنی و دیگر کشورها هستند؛ اما در مقابل این تغییرات، برخی مقاومت‌های فرهنگی وجود دارد که حرکت‌ها و جنبش‌های خاص خود را با سبکی ظریف و دیالکتیکی به این نظام پویای جدید تحمیل می‌کند. ما شاهد احیای مجدد و قابل ملاحظه‌ی شور مذهبی در مناطقی از جهان هستیم که زمانی «دین‌زدایی شده» محسوب می‌گردید. سه جنبش از عمده‌ترین جنبش‌های منطقه‌ای «اصول‌گرا» را می‌توان در میان هندوهای آسیای جنوبی، مسلمانان خاورمیانه و مسیحیان کشورهای آمریکایی مشاهده نمود، اما در عین حال، بازار آزاد و دموکراسی که دلایل ظاهری موفقیت غرب محسوب شده‌اند، تا به حال هرگز از چنین حمایت گسترده‌ای در خارج از قلمروی خود برخوردار نبوده‌اند. در میان همه‌ی این آشفتگی‌های اجتماعی، کره‌ی زمین به‌عنوان نظام حامی حیات شناخته شده و به بیان دقیق‌تر، تهدیدهای ما نسبت به این نقش حمایتی مورد شناسایی قرار گرفته است. هم‌زمان با برگزاری «اجلاس زمین» (Earth Summit) در ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲، عدم اطمینان ما نسبت به برخورداری از جهانی که بتوان در آینده حتی در آن زیست نمود، شدت یافته است. این تحولات هم‌زمان و چشمگیر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی که بر زندگی ما سایه افکنده است، بسیاری را متقاعد نموده که به راستی در «عصری نوین» به‌سر می‌بریم.

همه‌ی تحولات فوق در یک ویژگی برجسته بایکدیگر مشترکند. این تحولات دارای وسعت جهانی هستند. در آغاز قرن بیستم هالفورد مکیندر (Halford Mackinder, 1904)، جغرافی‌دان سیاسی، چنین استدلال می‌کند که ما به لحاظ کیفی در حال ورود به دورانی متفاوت هستیم، زیرا کل جهان، حول

محور اروپا قرار گرفته است؛ به این معنا که از این پس، فعالیت سیاست بین‌الملل باید در «جهانی بسته» صورت پذیرد. همان‌طور که به پایان این قرن نزدیک می‌شویم، مفهوم جهان واحد نه تنها بر روابط میان دولت‌ها بلکه بر همه‌ی ابعاد فعالیت‌های اجتماعی تاثیرگذار می‌گردد. انبوه‌سازی جدید، انعطاف‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی، غالباً به معنای صدور تولیدات به سراسر جهان خواهد بود. مناقشات سیاسی ناشی از «بی‌نظمی نوین جهانی» را می‌توان هر شب در اطاق نشیمن خود از طریق شبکه‌ی خبری آمریکا یعنی سی.ان.ان (CNN) ملاحظه کرد. در قطب‌گرایی اجتماعی نوین تقریباً هر یک از شهرهای جهان به صورت دنیایی کوچک از کل جهان به پیش می‌روند؛ دامنه‌ی اقدامات تروریستی به مناطقی رسیده است که فعالیت‌های عادی نظامی، توان مقابله با آن را ندارد و آلوده‌سازی محیط زیست توسط هر یک از ساکنین زمین در کاهش قابلیت زندگی در این جهان سهیم است. همین مساله، توجیه‌کننده‌ی به کارگیری پیشوند «ژئو» (Geo) به معنای جهان می‌باشد که در تنظیم فصول پنج‌گانه‌ی این کتاب نیز به کار رفته است. علاوه بر واژه‌ی شناخته شده‌ی ژئوپلیتیکی و نیز ژئواکونومیکی که هر روز موضوعیت بیش‌تری می‌یابد، ما بخش‌هایی با عنوان ژئوپلیتیک اجتماعی، ژئوپلیتیک فرهنگی و ژئوپلیتیک زیست‌محیطی را نیز مورد ملاحظه قرار خواهیم داد. به مجموعه‌ی فرآیندهای بیان شده، کلمه‌ی جهانی‌سازی اطلاق می‌شود که بر تغییر کیفی فعالیت‌های انسانی حکومت محور در اعصار پیشین دلالت می‌کند. عصر جدید، عصر جهان شمولی است. در این مقیاس جهانی می‌توانیم وجود برخی روابط میان تغییرات گوناگون مورد بحث را دریابیم. اگر این احتمال که فرآیندهای مذکور تنها به صرف تصادف، جهانی شده‌اند را کنار بگذاریم، (یعنی الگویی غیرمحمتمل از جهانی‌سازی‌های موازی) در آن صورت به این نظرگاه میل می‌کنیم که فرآیندهای مذکور، جنبشی واحد و کلی‌نگر را تشکیل می‌دهند. در این میان البته

سوال عمده آن است که نحوه‌ی هماهنگی میان این فرایندها چگونه است؟ در این جاست که باید نهایت دقت را مبذول داریم. در واقع، بهتر است به جای ارائه‌ی پاسخ‌های کلی قابل قبول، دامنه‌ی احتمالات را محدودتر کنیم. برای مثال، می‌توانیم مطمئن باشیم که جهانی سازی نتیجه‌ی یک الگوی علت و معلولی نیست که بتوان پیچیدگی آن را تا حد یک عامل اصلی تنزل داد. این‌گونه ساده‌سازی عوامل، اغلب موجب برجستگی حوزه‌ی اقتصاد به عنوان منشأ تغییرات می‌گردد و از آن‌جا که ما ژئواکونومی را سرآغاز بحث خود می‌دانیم، برجستگی این حوزه، ارائه‌ی پاره‌ای از توضیحات را ایجاب می‌کند. ما در این مبحث، گرایش به موضعی ماتریالیستی داریم که براساس آن، ژئواکونومی در فرایند جهانی شدن از نقشی حیاتی برخوردار است، اما معتقد نیستیم که این موضع «پایه و زیربنای اقتصاد» است و دیگر فعالیت‌ها و اقدامات بشر، تنها یک «روبنا» محسوب می‌شود. این اصطلاح معروف مارکسیستی که از معماری به عاریت گرفته شده، برای تشریح یک الگوی جهانی به شدت ناقص است. ژئواکونومی مورد بحث، نقش پررنگ و مهمی را برعهده دارد؛ البته نه به دلیل توصیف آن از منظر موفقیت مادی غرب و تعمیم به جاهای دیگر. ما بر الگوهای انتشار نوگرایی که دیگر معتبر نیستند، صحنه نمی‌گذاریم (Blaut, 1994). فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، واکنشی صرف به تفاوت‌های مادی نیست، بلکه در ایجاد این‌گونه تفاوت‌ها نقشی اساسی برعهده دارد؛ زیرا اقتصاد هرگز در جهان غیراقتصادی شکل نمی‌گیرد. از این رو، همان‌گونه که اقتصاد در پس پرده‌ی فعالیت‌هایی همچون جنبش‌های مقاومت فرهنگی پنهان شده است، فرهنگ نیز به همین نحو در بطن ماهیت معضلات اقتصادی قرار گرفته است. استعاره‌ای که در برخی از «بودن‌ها» و «شدن‌ها» وجود دارد، عبارتست از «گرداب عظیم جهانی شدن همه‌جانبه» که تمامی فعالیت‌های فوق را به هنگام فروبردن در درون خود به گونه‌ای هدفمند درهم می‌آمیزد.

جغرافیاهای چندگانه

یکی از پیشرفت‌های عمده‌ی فکری علوم اجتماعی در مواجهه با عصر نوین جهانی، یافتن درکی بهتر از نقش زمان و فضا در ایجاد تشکلهای اجتماعی بوده است. زمان و فضا برای مدت‌های مدید، به‌عنوان ظرف فعالیت‌های بشری، کاملاً ساکن و بی‌حرکت فرض شده بود. فضا تنها به صورت یک صحنه‌ی نمایش تصور می‌شد که اتفاقاتی در آن رخ می‌داد و زمان نیز تنها به منزله‌ی بستری رسانه‌ای که مرتب آن را تجربه می‌کنیم. مشکل آفرینی زمان و فضا در تحلیل‌های اجتماعی موجب شد جغرافیای کم‌اهمیت پیشین مجدداً در مرکز حوزه‌ی علوم اجتماعی جای گیرد (Gregory & Urry, 1985). یک تحلیل خوب جغرافیایی باید از حساسیتی فوق‌العاده نسبت به زمان و فضا برخوردار باشد. در این‌جا ما عامل زمان را به عامل فضا اضافه می‌کنیم، زیرا در نظر گرفتن یکی بدون توجه به دیگری هیچ معنایی ندارد. این مطلب عکس برخی نظریه‌های سنتی جغرافیایی است. بنابراین، به‌زعم ما همه‌ی جغرافیا یعنی جغرافیای تاریخی، متمرکز بر زمان حاضر هرگز به معنای نادیده گرفتن گذشته نیست. برای مثال، در این‌جا مفهوم کلی «عصر جدید» به‌صورت مقایسه‌ای با گذشته به‌عنوان «دوران غیرجدید» فرض شده است. ولی وارد کردن زمان و فضا به این بحث به معنای دنبال کردن شباهت مشهور بین این دو نیست؛ همانند معادل گرفتن دوران‌بندی زمان و منطقه‌بندی فضا. لازم است این دو را در اشکال اجتماعی آنها به‌عنوان زمان‌ها و فضاهای چندگانه در نظر بگیریم. همین مفاهیم هستند که جغرافیاهای چندگانه را برای رهایی از گرداب جهانی‌سازی تشکیل می‌دهند.

فضاهای اجتماعی و زمان‌های اجتماعی از معانی گوناگونی برخوردارند. در این‌جا، ما بر کاربرد خاص آنها به‌منزله‌ی الگوهایی از پهنه‌های زمانی و مقیاس‌های فضایی متمرکز می‌شویم. در یک تعبیر افراطی از جهانی‌سازی معاصر، در فعالیت‌های کنونی انسان به‌عنوان نقطه‌ی عطفی جدید برای بشریت

تلقی می‌شود. چنین تعبیری با تکیه بر یک تحلیل ویژه‌ی فضایی - زمانی، مقیاس جهانی و دورنمای بلندمدت و یا به گفته‌ی براودل (۱۹۸۰) «duree Longue»^(۱) را امتیازاتی می‌داند که می‌توان برای درک موقعیت‌مان در جهان امروز از آنها بهره جست. یک تحلیل دقیق‌تر مانند آنچه که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است، مقیاس‌ها و پهنه‌های دیگر را از نظر دور نمی‌دارد. این مقیاس‌ها و پهنه‌ها کماکان وجود دارند و قطع نظر از این‌که جهانی‌سازی تا چه حد قدرتمند باشد یا قدرتمند گردد، در این تحلیل مد نظر قرار خواهند گرفت. با در نظر گرفتن دیگر پهنه‌های زمانی و مقیاس‌های فضایی، در مسیری قدم برمی‌داریم که منحصر به فرد بودن «عصر نوین» را با تردید مواجه می‌سازد. به عبارت دیگر، ما زمان حال را در بستری زمانی قرار می‌دهیم که در آن جهانی‌سازی، بیش‌تر یک ادامه است تا این‌که چیزی جدید باشد و بیش‌تر در مقیاس فضایی گسترش می‌یابد تا در مقیاس خاص جهانی. ما برای بحث مقدماتی خود سه نوع ظرف زمانی و سه نوع مقیاس فضایی را مشخص می‌کنیم.

از نظر براودل (۱۹۸۰)، متضاد بلندمدت‌نگری، رخدادگرایی است که مقدمه‌ی حاضر را با استفاده از آن و با استناد به اخبار روزنامه‌ها شروع کردیم. رخدادگرایی، چشم‌اندازی کوتاه‌مدت از زمان اجتماعی است که در آن جهان شامل وقایع چندگانه می‌گردد. البته برخی وقایع از برخی دیگر مهم‌ترند و بعضی از آنها می‌توانند سرنوشت‌ساز باشند و به نقاط عطفی در تاریخ مبدل شوند. روشن است که در اوایل این قرن، سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹ رخدادی بود که قبل و بعد از آن نمی‌توانست همسان باشد. در زمان ما نیز انقلاب‌های سال ۱۹۸۹ و پیامدهای آن، «شوک جهانی» دیگری به همراه آورد.

این وقایع، علاوه بر آن که خاتمه‌ی جنگ سرد را اعلام نمود، دنیا را به مرحله‌ای جدید رهنمون ساخت که در آن تاثیر فروپاشی کمونیسم بیش از رقابت‌های بین‌المللی گردید. با وجود آن که همه‌ی عوامل تشکیل‌دهنده‌ی جهان‌شمولی پیش از سال ۱۹۸۹ کاملاً آشکار گردیده بود، تنها پس از وقوع انقلاب‌های آن زمان بود که مفهوم عصر نوین به عنوان امری عادی مورد قبول واقع شد، اما شوک سال ۱۹۸۹ که با تحلیل‌هایی ادواری از تغییرات اجتماعی همراه بود را می‌توان به نوبه‌ی خود در پهنه‌های زمانی میان‌مدت گنجانید. امواج بلند اقتصادی با عمر تقریبی نیم‌قرن و موسوم به «چرخه‌های کاندرا تیف» (Kondratieff Cycles) که مرحله‌ای از رشد و ترقی بود، دقیقاً با دوران پس از جنگ جهانی دوم مقارن گشت. این «شکوفایی پس از جنگ» تا حدود سال ۱۹۷۰ ادامه یافت و متعاقب آن مرحله‌ای از رکود و ایستایی آغاز شد که تاکنون نیز ادامه دارد. در این شرایط، عصر نوین، نمونه‌ای از تجدید یک ساختار است که به شکل منظم در پیش‌روی موج‌گونه‌ی سرمایه‌داری به وقوع می‌پیوندد. هنگامی که یک کشور بر اقتصاد جهانی سیطره یابد، دوره‌ی مذکور حتی با «چرخه‌های هژمونی» طولانی‌تری نیز مرتبط می‌گردد که نمونه‌ی آن را می‌توان در مورد آمریکا در اواسط این قرن مشاهده کرد. بنابراین، عصر نوین، نمایانگر افول این هژمونی‌هاست؛ فرآیندی که این بار نیز مختص به زمان حال نیست، اما موضوع مورد بحث، مقایسه‌ی دوره‌های اجتماعی مختلف نیست، بلکه ما بر درک چگونگی تاثیر متقابل آنها بر یکدیگر اهتمام داریم. شایان توجه است که معرفی دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت، دلایلی بر عدم وجود یک عصر نوین و منحصر به فرد جهانی نیست، چرا که از نظر منطقی، همه‌ی زمان‌ها از تمامی دوره‌های زمانی برخوردار می‌باشند، اما معرفی این دوره‌ها موجب افزایش آگاهی ما در خصوص نحوه‌ی بررسی این مساله می‌گردد.

راجع به موضوعات مرتبط با فضا باید گفت که متضاد کلمه‌ی جهانی

واژه‌ی محلی است که این به سهم خود محل وقوع رخدادها می‌باشد. همان‌گونه که در خصوص دوره‌های زمانی نیز ذکر شد، یک تحلیل دقیق از مقیاس‌های مرتبط با فضا، هیچ‌یک از آن دو را در مقابل دیگری قرار نمی‌دهد، بلکه بر روابط میان آنها متمرکز می‌شود. این احتمال وجود دارد که اجتماعات محلی زیر ضربات نیروهای جهانی قرار گیرند، اما چنین نیست که این اجتماعات قربانیانی درمانده و فاقد هرگونه استراتژی برای مقابله به مثل باشند. با این حال، این اجتماعات نمی‌توانند مستقل از جهانی که در آن به سر می‌برند، عمل کنند؛ بنابراین، راهبردهای آنان همواره دارای عواقبی است که از حوزی کنترل مستقیم ایشان خارج است. در این حالت، جغرافی‌دانان با یک تاثیر متقابل محلی - جهانی سروکار دارند، به گونه‌ای که در آن رویدادهای محلی، شکل‌دهنده‌ی ساختارهای جهانی هستند؛ ساختارهایی که متعاقباً و به کرات بر رویدادهای محلی تاثیر می‌گذارند (Watts, 1992). در مورد مقیاس‌ها سخن دیگر آن است که مقیاس ملی حکومت‌ها سطحی متوسط از آن می‌باشد. و کانونی مهم برای اقتدار رسمی محسوب می‌شود؛ کانونی که از ظرفیت لازم جهت تاثیرگذاری بر اجتماعات محلی و عرصه‌های گسترده‌تر بین‌المللی برخوردار است. فرضیه‌ی جهانی‌سازی به صورت انتقال صعودی قدرت حقیقی از سطح دولت‌ها به سطح جهانی مطرح شده است، اما نحوه‌ی صحیح برخورد با مقیاس‌ها می‌تواند موجب تعدیل این مفهوم ابتدایی گردد. برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها در مورد اضمحلال دولت‌ها مشاهده می‌شود که آنها هنوز هم برقرار بوده و همچون گذشته در حال انجام اقدامات مهمی می‌باشند، به نحوی که در هرگونه تفسیر منطقی از زمان حال باید حد برتری دائمی دولت‌ها مد نظر قرار گیرد (Taylor, 1994). مجدداً متذکر می‌شویم که عنوان این مطلب به منزله‌ی تضعیف مفهوم عصر نوین جهانی نیست. مقیاس‌های گوناگون مرتبط با فضا در جوامع، فراتر از جمعیت‌های کوچک و منفرد وجود خواهد داشت، اما بیان مطلب فوق

بار دیگر باعث تعمیق نگرش ما در مورد موضوع مورد نظر می‌گردد. در این میان، مسائلی حقیقتاً دشوار، تلاش برای تلفیق مقیاس‌ها و دوره‌ها در یک تحلیل واحد می‌باشد. شاید در این جا استفاده از جهانی‌سازی بتواند نقطه‌ی شروع تلقی گردد. در این راستا باید براساس دوره‌ها و مقیاس‌های مختلف، جغرافیاهای چندگانه و تاریخی ایجاد کرد. بدین صورت، جغرافیاهای مذکور به همراه یکدیگر ما را در درک گرداب جهانی‌سازی یاری خواهد داد؛ گردابی که به ظاهر به واسطه‌ی قدرت خود بر دید و بینایی ما پرده می‌افکند. مقالات این کتاب با استفاده از جغرافیاهای مختلف و به شیوه‌های متنوع، چشم‌اندازهایی را در مورد ماهیت معضل کنونی در پیش روی ما قرار می‌دهد. این مقالات برای پرسش‌هایی که در آغاز این فصل مطرح شد، پاسخ‌هایی را فراهم می‌آورد، که این پاسخ‌ها خود موجب پیش‌بردن مباحث نیز می‌گردد. این کوشش جمعی به این امید انجام پذیرفته است که درک درستی از دنیای پیچیده و همیشه متغیرمان ایجاد کند.

پیتر جی. تبلور، مایکل جی. واتس، آر جی. جانستون

(Peter J. Taylor, Micheal J. Watts and R. J. Johnston)